



سخنرانی مریم رجوی در سومین روز اجلاس جهانی ایران آزاد – کنفرانس دادخواهی

حسابرسی از دیکتاتوری آخوندی به خاطر جنایت علیه بشریت

سربه‌داران ۶۷ بذرافشانان قیام‌های وقفه‌ناپذیر

۱۲ تیر ۱۴۰۲

شخصیت‌های محترم، هموطنان عزیز!

در آستانه سی و پنجمین سالگرد قتل‌عام ۳۰هزار زندانی مجاهد و مبارز، به‌همه سربه‌داران آزادی، بذرافشانان قیام‌های وقفه‌ناپذیر و شهیدان انقلاب دموکراتیک مردم ایران درود می‌فرستیم.

خون‌های پاک شهیدان سال ۶۷، امروز در قیام‌های پی‌درپی مردم ایران در جوشش است و جوانان شورشی نسل‌درنسل، از آن انگیزه و الهام می‌گیرند.

آن مجاهدان قهرمان، با فریاد درود بر مسعود بر سر نام و آرمان‌شان ایستادگی کردند و هزار هزار سربه‌دار شدند. هدف و آرمان آن‌ها، موضوع امروز و اکنون جامعه ایران است.

آن ۳۰هزار پسر و دختر شورشگری که در ماه‌های اخیر زندان‌های خامنه‌ای را در نوردیدند، آن دلاوران فداکار که کانون‌های شورشی را برپا کرده‌اند، رزمندگان همین آرمان‌اند: آرمان آزادی، برابری و نفی ستم و بهره‌کشی.

نام مجاهد خلق که سرخ‌ترین نام در ایران است، از همین آرمان، هم‌چون شفق سرخ شده است.

خشم بی‌پایان آخوندها که از ۴۴سال دشنام‌گویی و پخش دروغ علیه این نسل، فروکش نکرده و ترس و قساوت‌شان نسبت به هر جمعی از مجاهدین ولو در فاصله هزاران کیلومتری، از همین آرمان است که زمان و مکان نمی‌شناسد.

آخوندها حاکمیت اجبار و استبداد و بهره‌کشی را می‌خواهند و این نسل به‌پاخاسته حاکمیت آزادی و جمهور مردم را می‌خواهد و این آرمانی است که پیروز می‌شود.

هدف خمینی، نابودی و نسل‌کشی مجاهدین

۳۵سال پیش در اولین روزهای مرداد، هیولای مرگ در سراسر ایران در سکوت و اختفا، اما با شتابزدگی بسیار در حال حرکت بود تا کسانی را که بنا به حکم خمینی «برسر موضع (مجاهدی) خود پافشاری کرده و می‌کنند»

از میان بردارد.

بنا به گفته دژخیم، مقتدایی، خمینی پی‌درپی با جلادان ملاقات می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت «ادامه بدهید و هیچ وحشت نکنید». هدف خمینی، نابودی و نسل‌کشی مجاهدین بود که موجودیت رژیم را تهدید می‌کردند. همزمان با قتل‌عام زندانیان در اوین و گوهردشت در زندان‌های شهرستان‌ها از زندانیان مجاهد بیش از معدودی باقی‌نماند و از برخی بندها حتی یک نفر هم جان به‌در نبرد.

قتل‌عام در زندان‌های شهرستان‌های ایران

مجموعه گردآوری شده که در این‌جا می‌بینید، به‌طور خاص درباره قتل‌عام مجاهدین در زندان‌های شهرستان‌های ایران است. در این مجموعه، شهادت‌ها و نوشته‌های شاهدان قتل‌عام درباره این واقعه در دهه‌ها شهرستان یا مرکز استان گردآوری و ثبت شده است.

در کتاب جنایت علیه بشریت اسامی بیش از ۵ هزار نفر فقط از مجاهدین سر به‌دار شده آمده است، در این کتاب با کمال تعجب می‌بینید که در ۱۱۰ شهری که در آن قتل‌عام صورت گرفته، از زندان قم که دست‌کم ۱۵۰ مجاهد سر موضع در آن داشتیم، فقط ۸ اسم به چشم می‌خورد، در ماهشهر و بندر گز و چالوس و رامسر و گرمسار هر کدام فقط ۴ اسم، در ۱۸ شهر فقط ۲ یا ۳ اسم و از ۳۴ شهر فقط یک اسم و مشخصات کامل ثبت شده است. در حالی که همه می‌دانند که این زندان‌ها مملو از مجاهدین بوده است.

در برخی از بندها حتی یک نفر را هم زنده نگه‌ناشدند. واحد تحقیق شهیدان انبوهی اسامی مستعار دارد که کسی آن‌ها را نمی‌شناسد و معلوم می‌شود کسانی که با آن‌ها بوده‌اند را، قتل‌عام کرده‌اند.

در سال ۶۷، بعد از مجاهدین، موج بعدی قتل‌عام در اوین و گوهردشت متوجه زندانیان غیر مجاهد و بیش از همه زندانیان مارکسیست شد.

در مورد قتل‌عام زنان مجاهد، دادستان دادگاه استکهلم توضیح داد که «زنان در موج اول اعدام شدند و ما در تحقیقات مان نتوانستیم زانی را پیدا کنیم که از اعدام‌ها جان سالم به‌در برده باشند»

رئیس هیأت مرگ در تهران، دژخیم نیری، در مورد علت قتل‌عام سال ۶۷ گفت: «اگر قاطعیت امام نبود... شاید اصلاً نظام نمی‌ماند». رژیم خمینی در نخستین سال‌های دهه ۶۰ بیش از ۳۰۰ زندان داشت که این بدون احتساب خانه‌های امن سپاه و دادستانی‌ها و کمیته‌های خمینی است.

جنبش دادخواهی قتل‌عام‌شدگان

از اولین هفته‌های پس از شروع کشتار، مسعود در تلگرام‌هایش به دبیرکل ملل متحد در شهریور ۶۷ حکم خمینی جلاد برای قتل‌عام مجاهدان سر موضع را افشا کرد و جنبش دادخواهی قتل‌عام‌شدگان آغاز شد. همراه با تظاهرات و اعتصاب غذا و حتی یک مورد خودسوزی در آمریکا و برگزاری دادگاه‌های مردمی و سمبلیک

در کشورهای مختلف که گزارش و عکس‌های آن در نشریات مقاومت در همان زمان منتشر شده است. از سال ۱۳۹۵، مقاومت ما دادخواهی قتل‌عام زندانیان را در صدر اولویت‌های کار خودش قرار داد. در سطح بین‌المللی، جنبش دادخواهی توجه وجدان‌های آگاه را نسبت به قتل‌عام زندانیان جلب کرد. اکثریت نمایندگان کنگره آمریکا در یک قطعنامه و ۱۱۷ تن از رهبران پیشین جهان در یک نامه سرگشاده و پارلمان‌های ۲۸ کشور در بیانیه‌هایی با امضای اکثریت نمایندگان، موضوع قتل‌عام را مورد توجه قرار داده‌اند. در آذر ماه سال ۹۹، هفت تن از گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد هشدار دادند که قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بیش از این نباید بدون رسیدگی و مجازات باقی بماند. در اجتماع امروز ما، تعدادی از همان گزارشگران ملل متحد حضور دارند و گزارش‌های خود را ارائه می‌کنند. به آن‌ها درود می‌فرستیم. در این جا باید از تلاش‌های «بنیاد عدالت برای قتل‌عام‌شدگان ۱۳۶۷ در ایران» تحت ریاست آقای طاهر بومدرا مسئول پیشین حقوق بشر ملل متحد در عراق قدردانی کنم. او با انتشار چند کتاب و هدایت فراخوان‌ها و نامه‌های سرگشاده برای انجام تحقیقات بین‌المللی در این خصوص، گام‌های مهمی برداشته است. از جمله فراخوان ۴۶۲ تن از مقام‌های فعلی و پیشین سازمان ملل و قضات دادگاه‌های بین‌المللی و شخصیت‌های برجسته سیاسی. از دیگر فعالیت‌ها، انتشار کتاب «پرونده حسابرسی از ابراهیم رئیسی به‌خاطر جنایت علیه بشریت» توسط نمایندگی شورای ملی مقاومت در واشینگتن است. ملل متحد، بعد از ده‌ها سال در گزارش گزارشگر ویژه در باره نقض حقوق بشر در ایران و گزارش دبیرکل ملل متحد، برای اولین بار به موضوع قتل‌عام ۶۷ پرداخت و خواستار تحقیق مستقل شد. البته هنوز جامعه بین‌المللی با آن‌چه باید در رابطه با این قتل‌عام انجام دهد، فاصله بسیاری دارد. در ۵۰ سال گذشته که فقط چند جنایت بزرگتر، یا در ابعاد این قتل‌عام در جهان به‌وقوع پیوسته ملل متحد برای بسیاری از این جنایت‌ها دادگاه ویژه یا هیات تحقیق مستقل تشکیل داده است. پس چرا در مورد قتل‌عام ۱۳۶۷ بی‌عملی در پیش گرفته شده است؟ تکرار می‌کنم که به‌دادن مصونیت از مجازات به آمران این کشتار که از ویژگی‌های سیاست مماشات غرب است، خاتمه بدهید.

محاكمه دژخيم حميد نوري يك بحران ديگر براي رژيم

ماجرای دستگیری دژخیم حمید نوری از عوامل مستقیم قتل‌عام سال ۶۷ در زندان گوهردشت به یک آبروریزی و بحران برای رژیم تبدیل شد. وزارت اطلاعات آخوندها در سال ۹۸، یعنی سه سال و نیم بعد از اوج گرفتن مجدد جنبش دادخواهی توسط مقاومت ایران، می‌خواست آن را برای مخدوش کردن این جنبش و هم‌چنین

علیه مجاهدین به کار بگیرد اما با روشنگری‌های بی‌وقفه مقاومت و نزدیک به ۲ سال تظاهرات هموطنان در مقابل دادگاه و دخالت فعال اعضا و هواداران مجاهدین به‌عنوان شاهد و شاکی و انتقال دادگاه به‌آلبانی و ارائه اسناد و مدارک و محکومیت این دژخیم به حبس ابد، توطئه رژیم نقش برآب شد. به‌خصوص که برخلاف آخوند روحانی، حالا رئیسی، جلد ۶۷ برکرسی ریاست جمهوری رژیم نشسته که از نظر قضایی یکی از چند متهم اصلی این پرونده است.

به همین دلیل، به موازات توطئه برای آزادی اسدی، دیپلمات تروریست بمب‌گذار در بلژیک، رژیم بار دیگر با گروگانگیری و یک بسیج همه‌جانبه دیپلماتیک، اطلاعاتی و مطبوعاتی و با به‌کار گرفتن مزدوران و عناصر مشکوک می‌خواهد سوئد را هم به زیر پا گذاشتن قانون و عدالت بکشد. ما هشدار می‌دهیم که آزاد کردن آمران و عاملان جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی به هر دلیل و بهانه‌یی که باشد، مطلقاً غیرقابل توجیه است و جز دادن چراغ سبز برای کشتار و ترور و گروگان‌گیری بیشتر به رژیم آخوندی، هیچ نتیجه‌یی نخواهد داشت.

زنده نگه‌داشتن آرمان مجاهدان سر موضع

جنبش دادخواهی این دستاورد بزرگ را کسب کرده است که نام و یاد و آرمان مجاهدان سر موضع را زنده نگه‌داشته و وجدان تاریخی جامعه ایران را از آن غنی و سرشار کرده است. سرچشمه ناب‌ترین انگیزه‌ها در قیام ایران همین جاست.

بسیاری از سربه‌داران نه نام‌هایشان معلوم است و نه نشانی از مزارهایشان پیداست. اما خون‌ها و جان‌هایشان در سراسر ایران، بذرافشان قیام و شورش شده است. این که جامعه ایران آخوندها را به‌چشم سفاک‌ترین دشمنان خود نگاه می‌کند، از جوشش همین خون‌هاست. جنبش دادخواهی همان مبارزه‌یی را پیش می‌برد که «سر موضع بودن» گوهر آن است. سر موضع بودن، راز ایستادگی در برابر سرکوب و انهدام است و هم‌چنین رمز انقلاب و پیشروی است. سر موضع بودن راز شکست خمینی و ایدئولوژی اوست و رمز تداوم مجاهدین از محمد حنیف تا امروز.

دادخواهی بخش جدایی‌ناپذیر مقاومت برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه

در همین جا همه زندانیان از بندرسته، همه خانواده‌ها و آشنایان شهیدان و همه هواداران مجاهدین را فرامی‌خوانم که برای به‌دست آوردن اطلاعات این کشتار، حتی به‌اندازه یک سطر یا یک کلمه تلاش کنند. نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و قتل‌عامی که توسط این رژیم صورت گرفته، دقیقاً با همین ترم‌های حقوقی، باید در دادگاه‌های کشوری و بین‌المللی و شورای امنیت ملل متحد به‌ثبت برسد و با حضور نمایندگان مقاومت ایران مورد تحقیق بین‌المللی قرار بگیرد.

جنایت علیه بشریت توسط این رژیم از همان سال‌های اول شروع شده، در قتل‌عام ۶۷، به اوج رسید و تا امروز ادامه داشته است. سردمداران رژیم در ۴۴ سال گذشته از مسئولان جنایت علیه بشریت هستند. از این رو هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی که برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در جریان قیام تشکیل شد، باید پرونده جنایت علیه بشریت توسط رژیم، به‌خصوص در قتل‌عام سال ۶۷ را نیز مورد رسیدگی قرار دهد. جنایت علیه بشریت در این رژیم یک کل به‌هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر است.

این جنبشی است برای دادخواهی هر ایرانی مظلومی که در این ۴۴ سال، شلاق ستم و غارت بر پیکرش فرود آمده است. این خون‌خواهی و دادخواهی همه خون‌های به‌ناحق ریخته است. دادخواهی هموطنان کردی که در قلاتان و قارنا توسط پاسداران قتل‌عام شدند، دادخواهی شهیدان بلوچ در جمعه خونین زاهدان، دادخواهی هموطنان عرب که در خوزستان مورد سرکوب و کشتار قرار گرفتند، دادخواهی ۱۵۰۰ شهید قیام‌آبان و دادخواهی ۷۵۰ شهید قیام‌کنونی. این مبارزه‌یی است تا کشاندن خامنه‌ای و رئیسی و سایر آمران جنایت علیه بشریت به پای میز عدالت. این دادخواهی بخش جدایی‌ناپذیر مقاومت برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه است.

پسران و دختران عزیزم در سراسر ایران!

شما که هر روز آماده خیزش و قیام‌اید و انتخاب کرده‌اید که قیمت این نبرد را بدهید، پیشبرد این جنبش و دادخواهی خون شهیدان به عهده تک تک شماست. آن‌ها شما را در هر کوی و برزن صدا می‌کنند. از هر مزار پیدا و ناپیدا شما را فرامی‌خوانند تا صدای آن‌ها باشید و عصیان و شورش را که از خون‌هایشان می‌جوشد به همه جا ببرید و دادخواهی و قیام را به سرنگونی این رژیم خونریز و مستبد برسانید.

زمانی که در فردای پیروزی مردم ایران، دادگاه خلق از آخوندهای حاکم به‌خاطر جنایت‌های بی‌شمارشان حسابرسی کند، به‌طور قطع فرا می‌رسد.

سلام بر مردم ایران

سلام بر شهیدان

سلام بر آزادی